

بررسی تطبیقی نظر شیعه و وهابیت در مورد آیه ۸۴ سوره توبه

محسن برقی کار^۱، راحله رحمانی حسین آبادی^۲

^۱ استادیار گروه حدیث جامعه المصطفی ص العالمیه، اصفهان

^۲ طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا خوراسگان (نویسنده مسئول)

چکیده

با توجه به اختلاف نظر بسیار شیعه و وهابیت در موضوعات مختلف دینی و باتوجه به اینکه یکی از مسائل مورد مناقشه بین پیروان مذاهب اسلامی و جریان وهابیت، موضوع زیارت قبور انبیاء، اولیا و مؤمنین است که وهابی ها آن را حرام می دانند و در مقابل پیروان مذاهب اسلامی با تکیه بر منابع یقینی یعنی قرآن و سنت این عمل را حرام نمی دانند، بلکه آن را امری مشروع قلمداد می کنند، این پژوهش در پی آن است تا به بررسی نظر این دو گروه بپردازد. در این مقاله جواز زیارت از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت و در پی آن ردّ نظر وهابیت مبنی بر حرمت زیارت قبور اثبات گردید.

واژه‌های کلیدی: زیارت، قبور، آیه ۸۴ توبه، شیعه، وهابیت

مقدمه

یکی از مباحثی که در سطح بین المللی مطرح شده است بحث نو اندیشی دینی است که اختصاص به دوران ما ندارد، بلکه افرادی در گذشته مانند ابن تیمیه بوده اند که خود را نواندیش معرفی کرده و با ابداع نظرات و اندیشه های شخصی، این افکار و اندیشه ها را وارد دین کرده اند. با توجه به این که ابن تیمیه در دمشق به ترویج اندیشه های خود پرداخت و از آن جا که دمشق دارای فرهنگ بالایی بود و محدثین و علما و فضلاء بسیاری داشت و در کنار دمشق، مصر نیز علمای بزرگی داشت، ایشان رديه های محکمی بر اندیشه های ابن تیمیه نوشتند و باعث خاموشی مکتب او شدند و تنها چند نفر توانستند مکتب او را ادامه بدهند، کسانی مانند ابن کثیر، ابن قیم جوزی، ذهبی. اما چند قرن بعد فردی به نام محمد بن عبدالوهاب که اهل نجد بود به احیای اندیشه ابن تیمیه پرداخت و با توجه به این که مردم نجد مردمی بیسواد بودند و عمدتاً از کتاب و سنت آگاهی چندانی نداشتند، افکار و عقاید ابن تیمیه در آن ها نفوذ کرد. اما دلیل مهم پا گرفتن مکتب او هم پیمانی او با آل سعود بود، به طوری که آل سعود با او پیمان بست که بازوی نظامی محمد بن عبد الوهاب باشد، به شرطی که امور دینی با عبدالوهاب و در نسل او باشد و حکومت و امور نظامی در دست آل سعود. این امر باعث قدرت گرفتن مکتب عبدالوهاب در ترویج افکار و عقاید نادرستش شد، به طوری که هر روز با توجه به مصالح و منافع خود و آل سعود و در جهت ضربه زدن به دین اسلام یک رأی و نظر جدیدی ابراز می کنند. (سبحانی، ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۰)

نظر وهابی ها در مورد زیارت قبور

یکی از عقاید نادرست وهابیت اینست که آن ها معتقدند زیارت قبور عملی شرک آمیز، حرام و بدعت است. آن ها به استناد ابن تیمیه بنیان گذار مکتب وهابیت چنین ادعایی را مطرح می کنند، به طوری که او گفته است: «من زار قبره (نبی صلی الله علیه و آله) او قبر غیره یشرک به و یدعوه من دون الله فهذا حرام کله وهو مع کونه شرکاً بالله»

هرکس قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و غیر او (از صالحان و اولیا) را زیارت کند، به غیر خدا رو آورده و به خدا شرک ورزیده، پس این عمل حرام و شرک به خداست. (ابن تیمیه، ۱۴۲۰، ص ۶۰)

و در کتاب «الجواب الباهر فی زوار المقابر» می گوید: «زیارت قبور انبیاء اولیا و صالحین، بدعت و نامشروع است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ص ۱۴)

آن ها همچنین به استناد آیه ۸۴ سوره توبه و تفسیر به رأی این آیه ، ادعا می کنند که زیارت قبور حرام است. با توجه به این که این آیه می فرماید:

« وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ »

و هرگز به جنازه هیچ کدام از آنان نماز مخوان و بر قبرشان [برای دعا و طلب آمرزش] نایست؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند، از دنیا رفتند.

در واقع این آیه برای پایین آوردن شخصیت منافق به پیامبر صلی الله علیه وآله دستور می دهد که هیچ گاه بر جنازه احدی از منافقان نماز مگذار و بر سر قبر آنها نایست . اما بحث بر سر این است که مقصود از (لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) چیست؟ آیا مقصود ، ایستادن به هنگام دفن آنان است یا مقصود اعم از موقع دفن و دیگر مواقع است؟

در این قسمت آیه (وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) بیان می کند کسی نباید بر سر قبر مرده ها برود و کسی نباید بر سر قبرها بایستد ولی بلافاصله علت را می آورد که (إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ) چون آن ها کافرو فاسقند نباید بر سر قبرشان رفت ، پس این آیه اصل رفتن بر سر قبور را نفی نکرده بلکه پس از بیان علت حکم به صورت عام ، آیه را تخصیص زده ، چراکه علت مذکور در هر کلامی مخصص حکم عام آیه است .

اما شبهه ای که وهابیت مطرح می کند این است که ابتدای آیه (وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا) مربوط به بحث نماز میت است و نماز میت فقط مربوط به زمانی است که مرده را دفن می کنند ، آخر آیه (وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) هم چون در همین سیاق است ، پس هر دو قسمت آیه هنگام دفن را بیان می کنند ، پس نهی از درنگ و ایستادن بر سر قبر، مخصوص حالت کفن و دفن منافق است نه زمان های بعد و منظور از (وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) اینست که وقتی میت منافق را دفن می کنید بر سر قبر او نایستید ، آن ها معتقدند اصلاً در آیه بحث از عمومیت نیست که هیچ گاه بر سر قبر منافق نایستید بلکه فقط بیان کننده منع از عدم ایستادن بر سر قبر او به هنگام دفن است و با وجود این مطلب در مقابل استفاده می شود مشروعیت قیام بر سر قبور مؤمنین فقط در حالت دفن و عدم مشروعیت قیام بر سر قبور مؤمنان بعد از دفن آن ها در طول سال ها ی بعد . پس در مجموع وهابی ها معتقدند ایستادن بر سر قبر منافق به هنگام کفن و دفن و نماز میت برای او حرام و در مقابل آیه دلالت دارد بر جواز ایستادن بر سر قبر مؤمن به هنگام کفن و دفن او و حرمت رفتن بر سر قبور مؤمنان در زمان های بعد.

اما در پاسخ وردّ نظر آن ها باید گفت: وحدت سیاقی که وهابی ها بیان کرده اند قابل پذیرش نیست چون نهی از نماز بر میت منافق مربوط به حالت قبل از دفن است و ایستادن بر سر قبر او مربوط به بعد از دفن اوست، پس اصلاً این دو قسمت آیه در یک سیاق قرار ندارند، نماز مربوط به حالت قبل از دفن و ایستادن مربوط به حالت بعد از دفن است و اصلاً چه خصوصیت عقلایی هست که فرق گذاشته شود بین حالت دفن که می گویند حرام است بایستیم و حالت بعد از دفن منافق که ایستادن بر سر قبر او اشکال نداشته باشد پس ایستادن بر سر قبر منافق و کافر یک حیثیت عام است و احتمال داده نمی شود که فقط اختصاص به حالت قبل از دفن داشته باشد، پس قسمت دوم آیه (وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) به طور مطلق بیان می کند که بر سر قبر منافق نایستید چه در زمان دفن او و چه بعد از آن و در مقابل بیانگر جواز ایستادن بر سر قبر مؤمن در هر زمان است چه در حال دفن و چه بعد از آن. (ایروانی، ۱۴۲۸، صص ۱۰۱۲-۱۰۱۱)

نظر مفسران شیعه و اهل سنت پیرامون آیه

نظر شیعه - در این آیه خداوند نهی از نماز گزاردن بر جنازه منافقان و ایستادن در کنار گور آنان را نهی می کند و رسول خدا (ص) و مؤمنین با او را، استدراک و استثناء می نماید، و مقصود از مؤمنین، مؤمنین حقیقی هستند که خداوند دلہایشان را از لوٹ نفاق پاک ساخته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹ ص ۴۸۷)

- مغنیه می گوید: تمام فقها اجماع دارند که زیارت قبرها جایز است، به استثنای پیشوایان وهابیت که آن را حرام می دانند. اهل سنت در سه کتاب از صحاح خود، روایاتی را نقل کرده اند که آشکارا بر روا بودن زیارت قبرها دلالت دارند. مسلم در صحیح خود، بخش دوم از جزء اول، باب رخصت خواستن پیامبر صلی الله علیه و اله از پروردگارش برای زیارت قبر مادرش، می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و اله قبر مادرش را زیارت کرد و گفت: من از پروردگارم اجازه خواستم که قبر مادرم را زیارت کنم و او هم به من اجازه داد. بنابراین، قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد مرگ می اندازند».

ابن حجر عسقلانی در جلد ۳ از کتاب فتح الباری در شرح بخاری، باب زیارت قبرها می گوید: «مسلم از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل کرده است که فرمود: «من قبلا شما را از زیارت قبرها نهی می کردم اما اینک آنها را زیارت کنید».

ابو داود و نسائی از اصحاب صحاح، افزوده اند: زیارت قبور، یاد آخرت است.

حاکم در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله می گوید: «زیارت قبرها موجب رقت قلب می شود و اشک چشم را جاری می سازد. پس سخن زشت مگویید و نیز [زیارت قبرها] از علاقه انسان به دنیا می کاهد».

(مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۳۶)

- این آیه دلیل است بر این که ایستادن بر سر قبر برای خواندن دعا عبادت مشروعی است، و گرنه خدای سبحان نهی از این کار را به کافر اختصاص نمی داد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۷۸)

- در تحلیل نهی به کفر اشاره است به وجوب صلاة بر هر میت مسلمان و از این رو منقولست که چون نجاشی فوت شد در حبشه رسول صلی الله علیه و آله نماز بر او گذارد به خاطر اسلام حقیقی او و خداوند متعال در شان او و اصحاب او این آیه را نازل کرد «وَلْتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى» پس منافقان گفتند (اتصل علی علج نصرانی) این آیه نازل شد که «وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ . وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ دَلَالَتٌ لَهُ بِرِ مَشْرُوعِيَّتِ وَقُوفِ بِرِ قُبُورِ مُرْدِگَانِ از اهل ایمان و ترحم بر ایشان و زیارت قبور ایشان و در این باب اجر بسیار وارد شده است . از امام رضا علیه السلام روایت شده :

«من اتی قبر اخیه المؤمن و قراء عنده انا انزلناه فی لیلة القدر سبع مرات و دعا له امن من الفزع الاکبر»

هر که نزد قبر برادر مؤمن آید و هفت بار انا انزلنا بخواند و برای او دعا کند ایمن شود از فزع اکبر و زیارت قبور در اول اسلام حرام بود و بعد از آن منسوخ شد . (کاشانی، ج ۴، ص ۳۱۰-۳۰۹)

- هر فرد مؤمن راستین در حال حیات و پس از مرگ احترام دارد، و از این رو است که غسل، کفن، نماز و دفن مسلمانان با تشریفات محترمانه‌ای همراه است و حتی پس از مرگ نیز در کنار قبر او می‌آیند و برایش آمرزش می‌خواهند. در این آیه انجام مراسم نماز، دعا و حضور بر سر قبر منافق ممنوع اعلام شده است تا این افراد از جامعه اسلامی طرد و برای دیگران مایه‌ی عبرت شوند.

این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت تکلیف همه مسلمانان را با منافقان روشن می‌کند. در عصر حاضر نیز مسلمانان می‌توانند از مبارزه منفی علیه منافقان استفاده کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۷۰)

«و لاتصل ... و لاتقم علی قبره» طبق این قسمت آیه، اینکه خداوند حضور پیامبر (ص) را بر سر قبر منافقان نهی کرده است، استفاده می‌شود که روش آن حضرت حضور یافتن بر مزار مسلمانان بوده است. نکته دیگری که از آیه به دست می‌آید مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان است،

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است. (رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۷ ص ۱۵۶)

- صاحب تفسیر اثنی عشری معتقد است بنابر مفهوم داشتن وصف، آیه شریفه دلالت دارد بر جواز و مشروعیت وقوف بر قبور مؤمنان و زیارت آنها و تردد به آن و طلب رحمت برای ایشان در همه زمان ها

ایشان روایاتی هم در مستحب بودن زیارت قبور مؤمنین می آورد که عبارتند از:

۱- مفاتیح شیخ ثقه جلیل القدر جعفر بن قولویه قمی از عمر و عثمان روایت نموده که گفت: شنیدم از حضرت ابو الحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر که قادر نباشد به زیارت ما، پس زیارت کند صلحای از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما. و کسی که قادر نباشد بر صله و نیکی به ما، پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما.

۲- به سند صحیح روایت نموده از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری که گفت: من در فید که اسم منزلی است در طریق مکه، با علی بن بلال روانه شدیم سر قبر محمد بن اسمعیل بن بزیع. پس علی بن بلال به من گفت: صاحب این قبر برای من روایت نمود از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمود: هر که بیاید نزد قبر برادر مؤمن، و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند، ایمن گردد از روز فزع اکبر، یعنی از ترس روز قیامت. و در روایت دیگر مثل همین را نقل کرده الا آنکه دارد رو به قبله نماید.

۳- به سند صحیح منقول است که عبد الله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: چگونه باید سلام نمود بر اهل قبور، فرمود می گوئی: السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین انتم لنا فرط و نحن انشاء الله بکم لاحقون.

و در کامل الزیارة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده فرمود: مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب می دهند شما را، و اگر بعد از طلوع آفتاب باشد می شنوند و جواب نمی دهند. (شاه عبدالعظیمی، ج ۵، صص ۱۶۵-۱۶۳)

نظر اهل سنت: عده ی زیادی از مفسران اهل سنت «لَا تُقَمُّ عَلَى قَبْرِه» را اعم دانسته و گفته اند: «لَا تُقَمُّ عَلَى قَبْرِه» للدفن او للزیارة و الدعاء؛ یعنی بر قبر منافق برای دفن یا زیارت و دعا درنگ و توقف نکن مانند تفسیر ابن کثیر که می گوید: این که

نایستی بر قبر منافق برای استغفار و طلب مغفرت یا دعا برای او این حکمی است که عمومیت دارد و در مورد هر کسی که به نفاق شناخته‌ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۱)

بیضاوی و آلوسی نیز به ابن آیه به طور اعم نگریسته و گفته‌اند: (ولا تقم علی قبره للدفن أو للزيارة) یعنی نه در موقع دفن و نه در موقع زیارت، پس از اطلاق آیه همین معنای عام و گسترده، اعم از هنگام دفن یا وقوف پس از آن فهمیده می‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۲) (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۹۲)

- در کتاب صفوة التفاسیر که از متأخرین تفاسیر اهل سنت است نیز آمده است :

وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ أَى لَا تَقِفْ عَلَى قَبْرِهِ لِلدَّفْنِ، أَوْ لِلزَّيَارَةِ وَالدَّعَاءِ . بر قبر منافق برا دفن کردن او و یا برای زیارت و دعا نایست و توقف نکن. (صابونی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۱۵)

- جلالین می‌گویند : و لما صلى النبي صلى الله عليه و سلم على بن أبي نزل و لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا و لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ لدفن أو زيارة إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ کافرون جلالین آیه را عام دانسته و گفته: ولا تقم علی قبره لدفن أو زیارة . معلوم می‌شود که این نهی مال منافقان است و عکسش هم مال مسلمانان است. (محلّی، ۱۴۱۶، ص ۲۰۳)

- شیخ تقی الدین ابن تیمیه در کتاب الصراط المستقیم در باب زیارت بیان کرده : زیارت قبور جائز است فی الجملة حتی کفار به دلیل آنچه در صحیح مسلم است از زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله قبر مادرش را. و قد کان رسول الله صلی الله علیه و آله یأتی قبور اهل البقیع و الشهداء للدعاء لهم و الاستغفار فهذه المعنی یختصّ بالمسلمین دون الکافرین فهذه الزیارة و هی زیارة القبور لتذکر الآخرة و لتحتیثهم و الدعاء لهم هو الذى جاءت به السنّة. و به تحقیق حضرت می‌آمد به قبور اهل بقیع و شهداء برای دعا و استغفار برای ایشان، و این اختصاص به مسلمین دارد، و زیارت قبور به جهت تذکر آخرت و دعا برای آنها عملی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سفارش نموده است.

- در جای دیگر گفته: قبر مسلمان احترام دارد با توجه به سنت وارده، زیرا آن خانه میت مسلمان است، پس نجاست نباید در آن گذارد به اتفاق و پاگذارده نشود و پایمال کرده نشود و تکیه بر آن نکنند، و مستحب است نزد قبر سلام بر صاحب آن و دعای بر او، و هر چه میت افضل باشد حقش بیش تر و بالاتر خواهد بود.

- احمد و ترمذی در صحیح خود از ابن عباس نقل نموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله به قبور مدینه گذر و بر آنها سلام نمود.

- صحیح مسلم (صفحه ۲۵۲) بسنده الی عایشة انّ النبی کان یخرج الی البقیع فیقول السلام علیکم دار قوم مؤمنین ... عایشه روایت کند که حضرت بیرون می‌رفت به بقیع، پس می‌فرمود «السلام علیکم دار قوم مؤمنین ...». (شاه عبدالعظیمی، ج ۵، صص ۱۶۷-۱۶۶)

فواید زیارت قبور

۱- **پاسخی به فطرت:** همان طور که روشن است یکی از اموری که مطابق با فطرت انسان می باشد اینست که وقتی کسی عزیزی را از دست می هد ، هر از چند گاهی برای رفع دلتنگی و کاهش آلام درونیش بر سر قبر عزیزش رفته تا کمی آرام بگیرد ، از این رو مستحب است مصیبت زدگان اجازه رفتن بر سر مزار عزیز خود را داشته باشند ، گریه کنند و اشکی بریزند تا کمی از درد های شان کاسته شود. منع انسانها از این کار، در واقع مبارزه با فطرت آن ها ست و این برخلاف قرآن است ، زیرا به گفته قرآن ، آیین اسلام، آیین فطرت است ، یعنی خواسته های درونی در قالب قرآن و در قالب احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام و یا رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده ، بنابراین ما نمی‌توانیم با درخواست فطرت مبارزه کنیم.

۲- **عبرتی برای آیندگان:** از جمله آثار زیارت قبور پی بردن به بی وفایی دنیاست که باعث می شود آدمی به تعلقات دنیایی که پایان آن مرگ است ، دل نبندد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ما را به این امر دعوت کرده است ، ایشان فرموده اند: «زروا قبورکم فإن لکم فیها عبرة» به زیارت قبور بروید که در آن برای شما عبرت است.

۳- **توجه به آخرت:** از دیگر آثار زیارت قبور اینست که انسان به آخرت توجه پیدا می کند و متذکر می‌شود که به دنبال این جهان ، جهان دیگری هم هست. ابوذر غفاری می گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : « زِرِ الْقُبُورَ تَذْکُرُ بِهَا الْآخِرَةَ »
۴- **تقدیر و تکریم از علم و عالم :** زیارت قبور علاوه بر فواید و آثاری که بیان شد ، نوعی تقدیر از علم و عالم نیز هست. این عمل سبب می شود نسل آینده نیز به سراغ علم بروند ، چون با خود می گویند علم و عالم تا این اندازه محترم است که قافله ها به زیارت قبور عالمان می روند ، فاتحه می خوانند و از آن ها تقدیر می کنند.

۵- **درس گرفتن از زندگی شهدا و تقدیر از آن ها:** با زیارت شهدایی که از جان خود گذشتند تا دین زنده بماند، هم خود و هم نسل آینده از آنها درس می گیریم و نسبت به خدماتی که در راه دین کردند حس تقدیر و احترام پیدا می کنیم ، از سوی دیگر با رفتن بر سر مزار این عزیزان مانع از ، از بین رفتن قبور آن ها و ناشناخته ماندن آن ها می شویم . همان طور که نقل شده حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر هفته به احد در کنار قبر عمویش حضرت

حمزه می رفت و دو رکعت نماز می خواند ، زیارت می کرد و سپس برمی گشت ، در عین حالی که در کنار قبر پدر بزرگوارش بود.

۶- زیارت قبور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امامان علیهم السلام ، بزرگداشت مقام و منزلت ایشان و تجدید پیمان با آن ها و طلب آمرزش از آنهاست : در واقع ما با رفتن بر سر مزار این بزرگواران با ایشان پیمان می بندیم که راه شان را ادامه می دهیم و از ایشان طلب آمرزش و مغفرت می کنیم. عتبی نقل کرده که : نزد قبر پیامبر گرامی اسلام بودم که یک اعرابی آمد مقابل قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و آیه ۶۴ سوره نساء را خواند:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»

و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند.

و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا . از خداوند شنیدم (کلام خدا در قرآن) اگر کسانی که به خودشان ظلم کردند نزد تو آیند و از خداوند طلب بخشش کنند و رسول خدا هم برای ایشان طلب بخشایش کند ، به تحقیق خداوند را توبه پذیر و بخشنده خواهند یافت . من به نزد تو آمده ام و از گناه خود طلب بخشش کرده و تو را شفیع نزد پروردگارم قرار می دهم. و بعد هم اشعاری خواند و برگشت. عتبی می گوید: بعد از این جریان چشمانم سنگین شد به خواب رفتم در خواب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله را دیدم ، ایشان فرمودند: «ای عتبی! به سراغ اعرابی برو و به او بشارت بده که خداوند گناهان او را آمرزید.»

در روایات دیگری از پیامبر صلی الله علیه وآله وائمه معصومین علیهم السلام آمده که ایشان سفارش کرده اند که آن ها را زیارت کنیم و حافظ و نگهبان قبور آن ها باشیم .

امام رضا علیه السلام فرمودند:

برای هر امامی عهد و پیمانی بر گردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه های وفای کامل به این عهد و پیمان ، زیارت قبور امامان است ، پس هر کس که با اشتیاق به زیارتشان برود و زیارت از روی صدق باشد ، پیشوایان آنان ، شفاعت کنندگان شان در روز قیامت خواهند بود. (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۷۷)

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد اینست که اگر ما به زیارت قبور انبیاء و اولیاء الهی نرویم و قبورشان را حفظ نکنیم، بعد از مدتی، اسلام افسانه می شود، چراکه اثری از آن باقی نمی ماند و حتی شاید بعضی بگویند از کجا معلوم که پیغمبر خدایی بوده یا حمزه سیدالشهدایی بوده باشد، شاید همه این ها داستان و افسانه‌ای بیش نباشد. همان طور که این مسأله در بین مسیحیان جهان پیش آمده است. امروزه مسیحیان جهان، درباره حضرت مسیح مردّد هستند، زیرا از حضرت مسیح علیه السلام اثر ملموسی نیست، نه قبری و نه کتاب مسلمی از ایشان وجود دارد. از بیست و پنج انجیل موجود تنها چهار انجیل، رسمی است که آن هم تمامش زندگی نامه است. قبر یارانش هم معلوم نیست زیرا همه آثار آن ها از بین رفته است.

ما همان طور که قبور پیامبر و امامان خود را زیارت کرده و تکریم می کنیم، قبور دیگر انبیاء الهی را نیز تکریم می کنیم، زیرا حفظ اصالت ها دین را هم محفوظ نگه می دارد.

وهابیت معتقد است اگر یک مسأله دلیل ظنی داشته باشد، اما علمای یک قرن، آن مسئله را بپذیرند، درجه این حکم از ظن بودن به قطع بودن بالا می رود. چهارده قرن است مسلمانان به عنوان تکریم و ادای حق، قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان او را به عنوان تکریم و ادای حق زیارت و حفظ می کنند و این اجماع، بهترین دلیل بر مشروعیت این کار است، اما افسوس که وهابیت به این چنین مسلمانانی لقب قبوری می دهند و عمل شان را بدعت و حرام می شمارند. (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۸۹-۸۰)

نهی از زیارت قبور زنان توسط وهابیت

با توجه به ردیه هایی که بر ادعای وهابیت مبنی بر حرمت زیارت قبور بیان شد و با توجه به روایاتی که در کتب اهل سنت، به ویژه در صحیح مسلم آمده است و با توجه به این که زیارت قبور مورد اتفاق همه علمای اسلام است، آن ها چاره ای جز پذیرش جواز زیارت قبور ندارند، از این رو اصل زیارت قبور به خصوص زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را قبول کرده اند و حتی با توجه به تواتر روایات، استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را قبول دارند، البته به جز ابن تیمیه که قائل به استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست، خود وهابی ها امروزه قائل به استحباب زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند و تقریباً چهل نفر از علمای اهل سنت بر استحباب زیارت قبر ایشان فتوا داده اند. اما یکی از ادعاهایی که مطرح می کنند حرمت زیارت قبور توسط زنان است، چون آن ها معتقدند زنان ضعفاء العقول هستند بنابراین ممکن است در کنار قبر از حال بروند. یا دلیل دیگری که می آورند این است که روایاتی مثل «زرو القبور فإنها تذکرکم الآخرة» یا «زرو القبور فإن لکم لعبرة» خطاب به مردان است.

در رد ادعای اول آن ها باید گفت: این حرفی که وهابی ها مبنی بر ضعفاء العقول بودن زنان می زنند سفسطه‌ای بیش نیست، زیرا ما در جاهای مختلف شاهد حضور زنان در اماکن زیارتی بوده و هستیم و دیده‌ایم که آنها با کمال ادب و احترام زیارت می

کنند، احسانی می نمایند و قرآن می خوانند. علاوه بر این در خود تحولی ایجاد می کنند و بر می گردند. پس این دلیلی که آنها می آورند کاملاً پوچ و بی اساس است.

در ردّ ادعای دوم آن ها باید گفت: اگر روایاتی که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده که « زروا القبور فإنها تذكركم الآخرة » یا روایت دیگری که می گوید: « زروا القبور فإن لكم لعبرة » فقط خطاب به مردان است ، اگر این گونه باشد پس اقیموالصلاة وأتوا الزکاة نیز خطاب به مردان است، در حالیکه این گونه نیست وزن و مرد هر دو در این مسائل شریکند. بنابراین نباید بگوییم این خطاب چون برای مردان است و نفرموده «زُرنَ» بلکه گفته «زروا» پس زنان محرومند. در کتاب مقاصد الشریعه که آن ها ادعا می کنند به دنبال آن هستند همین روایاتی که ذکر شد آمده است و همان طور که بیان کردیم این روایات مطلق هستند و اختصاص به مردان ندارند. علاوه بر این در صحیح مسلم از عایشه نقل شده است که یک شب دیدم پیغمبر صلی الله علیه وآله از رختخواب برخاست و به طرف بقیع رفت ، من نیز دنبال آن حضرت رفتم و هر دو وارد قبرستان بقیع شدیم ، من عرض کردم : یا رسول الله ! من چگونه زیارت کنم؟ فرمود: «قولي: السلام عليكم اهل الديار من المؤمنين والمسلمين ويرحم الله المستقدمين منا والمستأخرين ، وإنا انشاء الله بكم لاحقون» در این جا می بینیم که حضرت به همسرش آموزش می دهد که موقع زیارت قبور بقیع این جمله ها را بگوید . آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خلاف شرع عمل کرده است؟

همان طور که قبلاً بیان شد حضرت زهرا سلام الله علیها هر هفته به احد می رفتند تا قبر عمویش حضرت حمزه سید الشهداء را زیارت کنند. آیا ایشان خلاف شرع عمل کرده اند؟ یا عایشه که همه اهل سنت احادیث او را قبول دارند ، موقعی که برادرش عبدالرحمن فوت کرد و جنازه او را در مکه دفن کردند. هنگامی که به مکه رفت به زیارت قبر برادرش رفت و در آن جا شعر هم خواند.

اهل سنت معتقدند عمل صحابه حجت است ، همان طور که بیان شد آیه ۸۴ سوره توبه تایید کننده جواز زیارت قبور مسلمانان است، روایاتی که بیان شد نیز اطلاق دارند ، عمل رسول اکرم صلی الله علیه وآله ، حضرت زهرا سلام الله علیها و عایشه را نیز بیان کردیم ، همه این موارد اثبات کننده جواز زیارت قبور مسلمانان در همه زمان هاست . (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۹۴)

جمع بندی

از مجموع مطالب بیان شده ، براساس آیه ۸۴ سوره بقره ، روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام ، نظرات مفسران شیعه و اهل سنت و دلایل عقلی، جواز زیارت قبور مسلمانان به ویژه پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین

عليهم السلام را در همه زمان ها اثبات گردید وادعای وهابیت مبنی بر حرمت زیارت قبور را رد شد. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

فهرست منابع

*قرآن مجید

- ۱- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ۴جلد، جماعة المسلمين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ ۲، ۱۳۶۳.
- ۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فى تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۳- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۴- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الرد على الاخنائی، تحقیق: احمد بن مونس العزى، جده، دارالخرز، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۵- ابن تیمیه، تقی الدیق احمد، الجواهر الباهر فى زوار المقابر، ریاض، اداره البحوث العلمیة والإفتاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ۹جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه.ق.
- ۷- ایروانی، باقر، التمهیدیه (آیات الاحکام)، دارالفقه للطباعة والنشر، قم، ۱۴۲۸ ه.ق.
- ۸- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، ۲۴جلد، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۹- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، ۱۴جلد، میقات - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ ه.ش.
- ۱۰- صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، ۳جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۱ ه.ق.
- ۱۱- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فى تفسیر القرآن، ۱۰جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۱۳- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فى إلزام المخالفین، ۱۰جلد، کتابفروشی اسلامیه - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳ ه.ش.
- ۱۴- محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، ۱جلد، مؤسسه النور للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه.ق.

۱۵- مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، ۸جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۶- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، ۲۱جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۶ ه.ش .

سایت ها:

ویکی فقه

ویکی پدیا